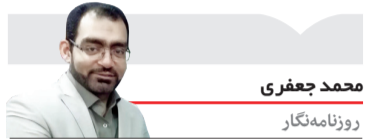


«فرهیختگان» در گفت‌وگو با کارشناسان مسائل آمریکا جایگاه شفافیت در ساختار سیاسی و اقتصادی این کشور را بررسی کرد

لیبرالیسم و نمایش شفافیت



محمد جعفری
روزنامه‌نگار

شفافیت زمینه را برای نظارت همگانی بر عملکرد حاکمان پدید می‌آورد و آنها را تا حد زیادی به افکار عمومی پاسخگو می‌کند. وجود شفافیت در پارلمان‌ها کمک می‌کند که مردم از عملکرد نمایندگان خود مطلع شوند، در مناسبات اقتصادی حاکمان زمینه فساد را از بین می‌برد و به‌طور کلی می‌تواند کمک شایان توجهی به ارتقای بلوغ سیاسی-اجتماعی مردم و تقویت ساختار انگیزشی آنها برای مشارکت در امر سیاست شود. در شرایطی که شفافیت رفته‌رفته در حال تبدیل شدن به گفتمانی فراگیر است بازخوانی تجربیات دیگر کشورها و واکاوی عملکرد آنها در اعمال شفافیت بر سازوکارهای حکمرانی خالی از لطف به نظر نمی‌رسد. در همین راستا برای بررسی جایگاه شفافیت در ساختار سیاسی و اقتصادی ایالات متحده آمریکا به سراغ امیرعلی ابوالفتح، کارشناس مسائل آمریکا و فواد ایزدی عضو هیات علمی دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران رفتیم.

امیرعلی ابوالفتح کارشناس مسائل آمریکا در اشاره به جایگاه شفافیت در نظام سیاسی و اجتماعی ایالات متحده به «فرهیختگان» گفت: «زمانی این بحث را به‌صورت تئوریک و در چارچوب قوانین و مقررات ایالات متحده آمریکا بررسی می‌کنیم. زمانی هم موضوع بحث، حوزه عمل و جایگاه مقوله شفافیت در عرصه اجرا است.»

ساختار سیاسی آمریکا در عمل به شفافیت پایبند نیست

سیاسی این کشور در مقام اجسرا آنچنان به این شفافیت پایبند نیست. درحقیقت یک‌سری قوانین و مناسبات و پنهان کاری‌ها وجود دارد و دست دولت باز است و می‌تواند برخی پرونده‌ها را به پنهان مساله امنیت ملی منتشر نکند.»

ابوالفتح یادآور شد: «در این باره می‌توان به پرونده ترور جان اف کندی اشاره کرد که بعد از ۷۰ سال هنوز اطلاعات آن منتشر نشده است. در واقع اطلاعات در این باره محرمانه است و دولت به‌راحتی روی آن لیبیل محرمانه می‌گذارد و کسی دسترسی به آنها ندارد.» وی ادامه داد: «به‌واسطه روابط و مناسباتی که وجود دارد یک‌سری نهادهای اساسی به کسی جوابگو نیستند. به‌عنوان نمونه در آمریکا اصطلاحی به نام دولت پنهان deep state وجود دارد که ترامپ منتقد همین امر است. او خود رئیس جمهور است ولی از دولت پنهان انتقاد می‌کند. این دولت پنهان سلطه مطلق دارد و هر کاری بخواهد انجام می‌دهد. توطئه و پنهانکاری و پرونده‌سازی می‌کند و مثلاً اجرای راشا گیت را رقم می‌زند تا به اهداف سیاسی خود دست یابد.»

این کارشناس مسائل بین‌الملل تصریح کرد: «بر این اساس شفافیت در اینجا وجود ندارد تا کسی نتواند بررسی کند که نهاد جامعه اطلاعاتی آمریکا چه کاری انجام می‌دهد یا اول استریت چه کاری کند؟ درحقیقت درها بسته است. درها بسته است و کسی نخواهد سوال و مطالبه‌گری کند ممکن است به زندان هم بیفتد.» ابوالفتح اضافه کرد: «با این‌وصف اگرچه بحث انتقال آزاد اطلاعات در آمریکا یک قانون مصوب است و خیلی از افراد، نهادها و شخصیت‌ها مراجعه می‌کنند و در دادگاه درخواست دریافت اطلاعات می‌کنند و... وجود دارد و کسی منکر این امر نیست، ولی در کنار همه این مکانیسم‌ها راه‌های فرار و پنهانکاری و فساد هم وجود دارد. گم‌اینگه اگر این چنین نبود مردم آمریکا در اعتراض به وضع موجود به خیابان‌ها نمی‌آمدند. همچنین خود ترامپ منتقد این وضعیت نبود که چارچوبی حاضر به پاسخگویی

قضائیه وجود دارد. مثلاً مجلس قضات را تایید می‌کند. قوه قضائیه دیوان عالی فدرال می‌تواند مصوبات مجلس را به دلیل مغایرت با قانون اساسی باطله اعلام کند. این رابطه بین قوه قضائیه و رئیس‌جمهور هم وجود دارد. رئیس‌جمهور قضات را معرفی می‌کند و در مقابل، امکان محاکمه دولت هم وجود دارد.»

وی باین اشاره کرد که آیا واقعیت‌های موجود آمریکا منطبق با اسناد بالادستی مکتوب در ساختار سیاسی این کشور هست یا خیر ادامه داد: «اگر تمرکز بر بحث شفافیت در حوزه سیاست باشد فراز بسیار مهمی تحت‌عنوان نظارت و کنترل در قانون اساسی این کشور وجود دارد که پایه و اساس شفافیت است.» ابوالفتح اضافه کرد: «نویسندگان قانون اساسی آمریکا، نظام سیاسی این کشور را به گونه‌ای طراحی کرده‌اند که سه قوه هم بر همدیگر نظارت می‌کنند و نظارت می‌شوند. این باعث می‌شود هر یک از قوا به صورت دائم مورد نظارت دو قوه دیگر قرار گیرد و امکان بروز فساد یا اقتدارگرایی از بین برود.»

این کارشناس مسائل آمریکا خاطرنشان کرد: «مثلاً کنگره مقامات دولت را تایید می‌کند. از سوی دیگر رئیس‌جمهور می‌تواند مصوبات کنگره را وتو کند یا مناسباتی که بین قوه مقننه با قوه

فواد ایزدی، کارشناس مسائل آمریکا و عضو هیات علمی دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران با اشاره به جایگاه شفافیت در نظام سیاسی و اجتماعی ایالات متحده به «فرهیختگان» گفت: «زمانی این بحث را به‌صورت تئوریک و در چارچوب قوانین و مقررات ایالات متحده آمریکا بررسی می‌کنیم. زمانی هم موضوع بحث، حوزه عمل و جایگاه مقوله شفافیت در عرصه اجرا است.»

وی در ادامه با طرح این سوال که آیا واقعیت‌های موجود آمریکا منطبق با اسناد بالادستی مکتوب در ساختار سیاسی این کشور هست یا خیر ادامه داد: «اگر تمرکز بر بحث شفافیت در حوزه سیاست باشد فراز بسیار مهمی تحت‌عنوان نظارت و کنترل در قانون اساسی این کشور وجود دارد که پایه و اساس شفافیت است.»

ابوالفتح اضافه کرد: «نویسندگان قانون اساسی آمریکا، نظام سیاسی این کشور را به گونه‌ای طراحی کرده‌اند که سه قوه هم بر همدیگر نظارت می‌کنند و نظارت می‌شوند. این باعث می‌شود هر یک از قوا به صورت دائم مورد نظارت دو قوه دیگر قرار گیرد و امکان بروز فساد یا اقتدارگرایی از بین برود.»



فواد ایزدی
عضو هیات علمی دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران

فواد ایزدی عضو هیات علمی دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

انتشار اطلاعات در آمریکا طبقه بندی شده است

مخوفی وجود دارد و شما به‌راحتی نمی‌توانید پول جابه‌جا کنید و بابت هر نقل و انتقال مالی باید حساب پس دهید و همه درآمدها باید مشخص باشد. اگرچه در مقطعی مقاومت هم وجود داشته ولی سیستم اجازه مقاومت در برابر آن را نمی‌دهد و نهایتاً امروز در ایالات متحده شرایطی وجود دارد که آن را مشاهده می‌کنید. به گفته ایزدی اگرچه در آمریکا در حوزه‌های مختلف فساد وجود دارد ولی با شفافیت انجام فساد سخت‌تر می‌شود. کم‌اینکه اگر بخواهید فرار مالیاتی کنید باید حسابی خارج از آمریکا باز کنید و مشکلات متعددی برای او در زور دن سیستم خواهید داشت.

وی با اشاره به اقتصاد مبتنی بر نظام مالیاتی در آمریکا ادامه می‌دهد: «وقتی کشوری به‌راحتی از درآمد منابع نفتی ارتزاق می‌کند دیگر حساسیت چندانی نسبت به سیستم مالیاتی ندارد و شفافیت در این حوزه را جدی نمی‌گیرد. درحالی‌که برای کشورها بهتر است نظام اقتصادی آنها وابسته به مالیات باشد، چون معمولاً در این سیستم پاسخگویی دولت‌ها نیز بیشتر می‌شود. زمانی که دولت نیازی به مالیات ندارد، نیازی به پاسخگویی برای هزینه‌کرد این مالیات هم ندارد چون منابع طبیعی همچون نفت هزینه‌ها را تأمین می‌کند و دولت، دیگر خود را برای تأمین این هزینه‌ها از طریق مالیات یا سایر راهبردهای اقتصادی به زحمت نمی‌اندازد.»

این کارشناس مسائل آمریکا در توصیف مساله نظارت عمومی در ساختار سیاسی و اجتماعی آمریکا خاطرنشان می‌کند: «مردم آمریکا همانند مردم خیلی دیگر از کشورها لزوماً دنبال نظارت بر حاکمیت نیستند. اما به هر ترتیب ساختار موجود در این کشور، امکان نظارت را در اختیار آنها قرار می‌دهد و به بیان دقیق‌تر داده‌ها در معرض دید آنها قرار دارد.»

ایزدی تأکید می‌کند که در این بستر، برخی مواقع حتی درباره فعالیت‌هایی که معمولاً خلاف است هم شفاف‌سازی صورت می‌گیرد که در این باره می‌توان به لابی‌گری نمایندگان و پول‌هایی که در این میان رد و بدل می‌شود، اشاره کرد. اگرچه پول گرفتن معمولاً اقدام شایسته‌ای برای یک نماینده مجلس و کنگره یک کشور نیست، ولی این موضوع در کنگره آمریکا اعلام می‌شود و نمایندگان باید پول‌هایی که در این بدوستان‌ها از فلان کمپانی و بهمان صنعت گرفته‌اند اعلام کنند و در غیر این صورت مرتکب جرم شده‌اند. به گفته او اگر کسی به‌منفع کشور دیگری در آمریکا کار کند، به‌نوعی لابی برای کشور دیگر کند، باید اعلام کند فعالیت‌های او در راستای منفعت کشور دیگری است که اگر اعلام نکند جرم است.

این استاد دانشگاه با بیان آنکه در دنیا شفافیت اهرمی برای پیشگیری و برخورد با برخی مشکلات است، یادآور می‌شود که این مقوله در ایران چندان جدی گرفته نمی‌شود. کم‌اینکه در ایران برخی فعالیت‌هایی به نفع آمریکا انجام می‌دهند ولی اعلام نمی‌کنند و ما قانونی در این باره نداریم که افراد باید چنین فعالیت‌هایی را اعلام کنند. به‌عبارت دیگر سیستم اطلاعاتی کشور باید بگردد و این افراد را پیدا کند و با آنها برخورد کند و شفافیتی در این باره وجود ندارد. وی در پاسخ به این سوال که آیا مقاومت‌هایی که در ایران مقابل شفافیت وجود دارد، در آمریکا هم به چشم می‌خورد یا خیر، این‌طور توضیح می‌دهد که اگرچه ممکن است این تصور برای برخی وجود داشته باشد که آمریکا کشوری آزاد است و در مقابل، ایران کشوری است که محدودیت‌های آن بالاست، اما واقعیت امر آن است که در عالم واقع کاملاً عکس این تصور صادق است. واقع‌امر این است که در آمریکا در این حوزه‌ها استبداد

هر آن چیزی که در آن می‌گذرد در معرض دید قرار می‌گیرد.» این کارشناس مسائل آمریکا یادآور شد: «۲۰ سال پیش فردی ۵۰ میلیارد دلار اختلاس کرد. بزرگ‌ترین اختلاس کننده تاریخ آمریکا و احتمالاً بزرگ‌ترین اختلاس کننده کل دنیا بود. چون آمریکایی‌ها در این موارد سرآمد هستند. اگر دستگاه‌های نظارتی و اطلاعاتی وجود داشت آن فرد نمی‌توانست این رقم به این بزرگی را تخلف کند. برخی از سرمایه‌داران آمریکایی متهم به فرار مالیاتی می‌شوند یا چند سال پیش اسنادی منتشر شد که به آن اسناد پاناما می‌گفتند که در آن مشخص شده فلان آقا صاحب فلان شرکت فرار مالیاتی دارد، در باهاما است و یک شرکت صوری ثبت کرده و فرار مالیاتی انجام داده است.»

ابوالفتح تصریح کرد: «در کشوری فرار مالیاتی اتفاق می‌افتد که شفافیت وجود ندارد یا ضعیف است. اگر دستگاه نظارتی دقیق بود این چنین اتفاقاتی رخ نمی‌داد. ممکن است در این میان رشوه داده باشند، قانون را خریده باشند، قانون را به نفع خود تغییر داده باشند. به هر دلیلی ممکن است ولی بدهی است که این شفافیت وجود ندارد. چون از این نمونه پرونده‌ها در آمریکا بسیار وجود دارد؛ سازمان بین‌المللی شفافیت که رتبه‌بندی شفافیت کشورها را اعلام می‌کند، برخی مواقع سنگاپور، یا نروژ یا دانمارک را در رتبه‌های اول معرفی می‌کند و ایالات متحده در این رتبه‌بندی جایگاه خوبی ندارد. البته جایگاه آمریکا رانمی‌دانم ولی آن نهاد بین‌المللی براساس شاخص‌هایی که دارد کشورها را براساس شفافیت رتبه‌بندی می‌کند و نمی‌دانم شاخص‌ها چیست، ولی آنچه اهمیت دارد این است که رتبه بالای این نهاد ایالات متحده آمریکا نیست.»

این کارشناس مسائل بین‌الملل افزود: «این بدین معنا است که در آمریکا شفافیت وجود ندارد. کشوری همانند نروژ چرا باید بالاتر از آمریکا قرار گیرد؟ از این پرونده‌ها بسیار وجود دارد و نیاز به جست‌وجو دارد. چرا جزئیات پرونده قتل جان اف کندی را منتشر نمی‌کنند؟ پای چه کسی وسط است و چه اطلاعات محرمانه‌ای قرار است فاش شود؟ کجای کار ایراد دارد که این قتل آشکار نمی‌شود؟ پرونده را باید منتشر کنند. اگر ریگی به کفش‌شان نباشد بعد از گذشت ۷۰ سال باید اسناد را منتشر می‌کردند.»

مخارج باید به‌صورت ریزلیست شود و این‌گونه شفافیت ایجاد می‌شود. وی یکی از مهم‌ترین ابزارهای اعمال شفافیت در آمریکا را ژورنالیسم پژوهشگر می‌داند؛ پدیده‌ای که در آن اصحاب رسانه استفاده از داده‌های موجود در اثر شفافیت را در اختیار دارد. چراکه ممکن است داده‌ها در دسترس باشند ولی عموم از نحوه دسترسی به آنها بی‌اطلاع بوده و در تحلیل آنها ناتوان باشند. این کارشناس مسائل آمریکا توضیح می‌دهد در این کشور یکی از گرایش‌های پرطرفدار در حوزه خبرنگاری متمرکز شدن بر موارد فساد در ساختار و افشاجاری درباره آن است. وی با اشاره به قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در ایران اضافه می‌کند چیزی شبیه به این در آمریکا نیز وجود دارد و سازمان‌ها موظفند اطلاعات مورد نیاز رسانه‌ها را در اختیار آنها قرار دهند اما به‌طور طبیعی محدودیت‌هایی نیز در این باره وجود دارد و فرض سازمان‌ها سیاه اجباری ندارد اطلاعات را در اختیار خبرنگاران قرار دهد، چراکه به هر ترتیب برخی اطلاعات طبقه‌بندی است. ایزدی تأکید می‌کند که ساختار سیاسی و مدیریتی آمریکا زمانی قوی بود و باعث پیشرفت‌هایی در حوزه شفافیت در این کشور شد اما الان این ساختار رو به افول است و دچار مشکلاتی جدی شده است.

